

بحران سیاسی کنونی و وظیفه نیروهای انقلابی

اوضاع عمومی جامعه نشان از بحرانها و حوادث مهمی دارد. جدال جناحهای حاکمیت - یا اینها - هر چند که بظاهر بلاواسطه بدلیل فشار از بائین - بازتاب مبارزات طبقاتی کارگران و سایر زحمتکشان - نیست، لیکن انعکاس ستان اقتصادی - سیاسی جامعه و به وخامت گرائیدن اوضاع سیاسی است. در این جدال قدرت بنی صدر نماینده عمده ترس سردمدار و نماینده ی بورژوازی در حاکمیت از رفقای حزبی شکست خورده و کنترول خود را بر مهمترین نهادهای قدرت - ارتش - از دست داده است. این امر البته غیرقابل پیش بینی نبود. در گذشته هایی نه چندان دور و بویژه در دو سه هفته گذشته تصادها و مخاصمات درونی هیئت حاکمه به بالاترین درجه از شدت خود رسیده و ظریف به جانگاہهایی غیر قابل سازگت رسیده بودند - جانگاہهایی که امکان هرگونه سازش و توافق مجدد را غیر قابل تصور ساخته بود. طرفین وارد کارزار نهائی گشته و هر یک بر آن بود که دیگری را از اربکهای سلسله مراتب قدرت بریزد بکشد. این امر بالاخره بوقوع پیوست و جناح بیستی و سرکاه این بار با پشتوانه ی صریح و مستقیم " امام امت " دست به کار شده و رفیق غیرمکشی خود " رئیس جمهور و فرماندهی کل قوا " را از فرماندهی کل قوا عزل کرده اند و هم اکنون خلع او از ریاست جمهوری و محاکمهی او را نشانه گرفته اند.

در این میان اما خیل عظیم توده های ناراضی بسبب خیابانها رخنند و سفر خود را از حاکمیت و جناح غالب آن در غایت بدیل اجتماعی جیب و با توهم ایجاد شده توسط بخشی از نیروهای سیاسی بصورت دفاع از بنی صدر نشان دادند. حضور ناراضیان در خیابانها که البته حضوری غیر سازمان یافته و نا منظم بود. دستور حکومت را در منع اجتماعات و تظاهرات مستقیماً به مصاف می - طلبید. در هفته ی گذشته حضور در محله های توده ها و در - کمری های مداوم خیابانی با " توده های " جمعی بدست و عمل و اگر چه حزب جمهوری اسلامی، از بسیاری جهات با آاور زدو خوردها و تظاهرات سیاسی قبل از قیام بهمن ماه ۵۷ میباشد. این تظاهرات در روزهای آینده سیر ادامه خواهد داشت، لیکن :

۱- بنی صدر گرچه از مدار قدرت کنار رفت، در جدال سیاسی از رقبا شکست خورد، و از فرماندهی کل قوا عزل شد و هر چند که فرماندهان ارتش بیعت خود را با اسلام و " امام امت " تجدید کردند، لیکن ارتش در کل همان نهاد آریا مهریست که عاملی مهم و از بسیاری جهات تعیین کننده است. بویژه رده های بالای سلسله مراتب ارتش پیش از آنکه حامی رهبران جمهوری اسلامی باشند. حامی نظام سرمایه داری در ایران و تابع مصالح سرمایه جهانی و دولت های آن بویژه آمریکا هستند. ارتش نماینده ی یک نهاد در خدمت بورژوازی در قدرت هر - چند بدون شخص بنی صدر ولی کماکان در سلسله مراتب قدرت حضور دارد و خواهد داشت. گفته های اخیر خمینی و اصرار او در اینکه " ارتش مسائل سیاسی طرح نشود " هر چند که نشان از هراس خمینی از موضع گیری ارتش بیعت بنی صدر دارد، لیکن در بطن خود، نطفه های تشییع سلسله مراتب بورژوازی و کنار آمدن ارتش از

مسائل سیاسی را می پروراند که چیزی جز هژمونی بیشتر فرماندهان و افسران آریا مهری بر کل حرکت این نهاد را دربر ندارد. ارتش ظاهراً در کنار قضا و به رژیم جمهوری اسلامی وفا دار است اما این به کمان ما فقط ظاهر قضیه است. اصل قضیه اینست که حضور ارتش نماینده یک نهاد بورژوازی در معادلات سیاسی بارزتر میشود. از جانب دیگر شرکت برخی از عناصر ارتشی البته بصورت عناصر و نه شکل حضور ارتش - در اجتماعات و زود خوور - های خیابانی در هفته ی گذشته و طرح وسیع مسائل سیاسی در یادگانهای علی رغم میل و اصرار فرماندهی، نشان - دهنده ی واقعیتی است که در آینده میز خود را بر حرکت های جامعه خواهد کوبید. همچنین ادابندی جنگ رژیم با عراق بویژه با توجه به بائین بودن روحیه ی ارتشیان در جنگ که با عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا شدت گرفته است. نقش ارتش را در صحنه ی سیاسی چه در صورت پیروزی و چه شکست بر اهمیت تر خواهد کرد.

۲- موج مبارزات و تظاهرات اخیر هر چند برانگیزنده، بدین سازمان و عمدتاً در پاسخ به شرایط سیاسی روز صورت می گرفته است اما نمیتواند از نظر نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها دور بماند. با بلامنازع شدن حاکمیت حزب جمهوری در حاکمیت و برنامه های سازمان یافته ای که جهت سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی منظور تشییع حاکمیت طرح ریزی شده، باید هرچه وسعتر به مبارزه و مقابله با رژیم حاکم دست یازند. مبارزات کنونی هر - چند که در چارچوب خواسته های دموکراتیک (خدا استبدادی) و مخالفت با جناح حزب و ولایت قضیه آن صورت میسرند، لیکن در ادامه ی خود میتواند در صورت جهت گیری صحیح سیاسی، کل رژیم حاکم را هدف قرار دهد. حرکات اعتراضی مردم انعکاسی از شرایط رفت بار اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است. مردم بدرستی رژیم را مسئول این ناسامات - نیها میدانند و بنا بر این باید به مبارزات توده ای دامن زده و آنرا در مسیری علیه کل حاکمیت و کل نظام موجود سمت داد. در این میان تبلیغ بدیل جیب و مرزبندی با لیبرالها سمیرا حضور فعال در غرضه ی مبارزات و تظاهرات روزمره ی اجتماعی و سمی دهی سیاسی به آن از مهمترین وظایف نیروهای انقلابی و کمونیست است. رسالت کمونیستها در تبلیغ بدیل جیب جلوگیری از انحراف توده ها به گرایش سوی قطب های حاکمیت است. اگر کمونیستها خواسته های خود را طرح و تبلیغ نکنند - هر چند که در حال حاضر بدیل اجتماعی نباشند - در آینده هرگز نمی توانند انتظار جذب و جلب توده ها را داشته باشند.

۳- به اعتقاد ما در لحظه ی حاضر لزوم اتحاد و ائتلاف نیروهای جیب منظور خنثی نمودن برنامه های آنها جیب رژیم و جلوگیری از تشییع اجتماعی و سرکوب هرچه ضروری تر گشته است. در حال حاضر اتحاد عمل بر اساس برنامه و یا پلانفرم سیاسی و با هر شکل دیگری از همکاریهای سیاسی به یک ضرورت انکار ناپذیر تبدیل گشته است. پس چرا دست یازار تشییع، پس چرا کام به پیش نمی نهم. چه موانعی بر سر راه موجودند و چرا نمیتوان آنها را از پیش راه به کنار زد. ما بارها و بارها در مورد لزوم اتحاد عمل نیروهای جیب سخن گفته و

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

در این راه قدمهایی برداشته‌ایم ، نیروهای دیگر نیز بسیار سخن گفته‌اند . پس چرا این کامیابی‌ها نمی‌توانند به اتحاد عملی واقعی چپ‌ها منتهی شوند ؟

ما مثلاً از رفقای اقلیت این سؤال را تکرار می‌کنیم . شما که به لزوم اتحاد نیروهای چپ واقفید و بارها نیز از آن سخن گفته‌اید چرا کامیابی عملی به جلو بر نمی‌دارد . مشکل شما چیست . شما در سرمقاله‌ی شماره‌ی ۱۱۲ ارکان خود برخلاف انتظار با واقع بینی اوضاع چپ را بررسی کرده از لزوم اتحاد " بلوک سوم " (چپ‌ها) سخن می‌گویند ، و معتقدید که " جنبش انقلابی ایران فرسنگها از جنبش نوده‌ای و سرعت تحولات عقب مانده‌است " که " سازمانهای انقلابی کبک و حیران ، تنها نظاره‌گر رویدادها شده‌اند " و بالاخره اینکه " سازمانهای انقلابی تنها از طریق ایجاد یک فدرال انقلابی قادر خواهند بود به تنها بخش فعال در اوضاع بحرانی موجود ایستادگی کنند بلکه در موضع کبکیها و گرایشات دموکراتیکهای انقلابی نظیر مجاهدین خلق تاثیر بگذارند " . پس بطور درجهت سبک همین " بلوک سوم " همین " فدرال انقلابی " مورد بحث خود حرکت نمی‌کنید . شما حاضرید ، ما هم حاضریم . بسیاری دیگر از نیروهای چپ انقلابی که حداقل در مورد بسیاری از ارزیابی‌های اوضاع سیاسی اشتراک نظر دارند و تا کنونکهای واحدی را دنبال می‌کنند ، نیز با ما خواهند بود . چرا که این شعارها و گفتارهای ما و شما عملی نشوند آیا کسی دیگری جز خودما مسئول عدم تحقق آنها و عواقب و عوارض ناشی از ادامه‌ی نشت و پراکندگی میان صفوف چپ خواهد بود ؟ دعوت مکرر گذشته از نیروهای چپ را باز دیگر در اینجا تکرار می‌کنیم و حاضریم که در راه تحقق اشتراک چپ از هیچ کوششی دریغ نکنیم . شما چگونه به نوده‌ها و هواداران خود پاسخ دهید . ما در اینجا بار دیگر تکرار می‌کنیم که اتحاد بلوک مؤلف چپ تنها راه درست مقابله با حاکمیت ارتجاعی و تنها راه واقعی برای تبدیل شدن چپ به یک تبدیل اجتماعی است . تا زمانی که جنبش نشت و پراکندگی و فاقد صف مستقل خود را است و به مثابه‌ی شئی واحد در عرصه‌ی مبارزات سیاسی شرکت ندارد به تنها در مسیر مبارزات نفعی تعیین گشته‌ای نخواهد داشت بلکه اساساً فاقد خصوصیات لازم برای اتحاد زمینی اصولی جهت انجام باره‌ای از همکاریها با نیروهای دیگر مانند مجاهدین خواهد بود . مجاهدین در شرایط فقدان تبدیل اجتماعی چپ به راست می‌توانند و این جزو تاریخ زندگی صریح مبارزات اجتماعی بویژه در ارتباط با حرکت خرده‌بورژوازی (رادیکال) نیست .

۴- بورژوازی اخیر رژیم به حجاج رقیب و مدنی‌سال آن تعطیل باره‌ای از روزنامه‌ها را نباید به همین محدوده خلاصه کرد . برنامه‌ی رژیم سرکوب شدید نیروهای انقلابی و انقلابیون کمونیست خواهد بود . این بورژوازی آغازی است که رژیم نشتیت همه‌جانبه و تمام و کمال خود را - فارغ از حضور رقیب - می‌طلبند . برنامه‌ی نشتیت رژیم نیز نمی‌تواند جدا از برنامه‌ی منظم کردن سرکوب و اشتناق و قلع و قمع نیروهای مترقی باشد . پس باید آماده‌بود اتحاد صف مستقل چپ و آز آنرو همکاری با مجاهدین - کامیابی اساسی و تعیین کننده در راه مقابله با رژیم است . اما تا آن زمان چه باید کرد . اگر علمبرگیم خواست واقعی ما چپ متحد نشود و مجاهدین کماکان در دفاع از سنی صدر و " لیبرالها " سمت گیری کنند ، آننگاه چه میتوان کرد ؟ در شرایط کنونی به اعتقاد ما رژیم بسیار ستر از گذشته در موقعیت آنرو بسر میبرد . خیل ناراضیان بسیار بیشتر از آنست که رژیم تصور می‌کند . و تهدیدها و استغاثه‌های " رهبر " نیز درست‌نمایی از همین ضعف و انزوایی است که گریبان رژیم را گرفته‌است . رژیم اکنون از زبان رهبر آن اعلام می‌کند که راهبیمایی و اعتراض ، مقاومت و حرکت " در مقابل نفع صریح قرآن است " ، " در مقابل اسلام است " ، " در مقابل حکم صریح خدا است " و معذک باز هم توده‌ها به -

میدان می‌آیند و او را " رهبر عظیم‌الشان " و " نائب‌الامام " را آشکارا زیر پا می‌گذارند ، این توده‌ها هنوز نه رهبری دارند و نه سازمانی . تبدیل چپ برای آنها ناممکن و غیر قابل لمس و بدیل راست نیز - هر چند که در حال حاضر گرایش بسیار به آن دارند - با سئوالات و ابهامات بسیاری همراه است (توجه کنید به آخرین پیام رئیس جمهور در تاریخ ۲۳ خرداد ، که از رضا دعوت می‌کند برای " هماهنگی " و " اجرای قانون " و ایضا اطلاعیه‌ی فضاحت‌بار آقای بازرگان در مورد عدم شرکت نفعت آزادی در راهبیمایی سپهه‌ی ملی چند دقیقه بعد از نطق همراه با استنصر " امام امت ") . حکومت نیز مسخ خواهد ناراضیان را سر جای خود بنماید و با چند حمله‌ی حساب شده آنها را از میدان بدر کند . در چنین موقعیتی چپ باید در محدوده‌ی تحرکات توده‌ای حضور فعال داشته باشد ، باید به کارزار وسیعی در جهت تبلیغ تبدیل چپ از طریق بحث اعلامیه - تراکت ، شعاربوسی ، شرکت در بحث‌های خیابانی و غیره دست‌زند و نشان دهد که نظاره‌گر مهمل نیست . اینکه صحنه‌ی سیاسی روز شدت فزاینده‌ی گروههای در دفاع از سنی صدر و گروههایی در دفاع از بهنشی و ولایت فقیه فریاد بلند میکنند بهیچوجه بمعنای تسارده - گیری نیروهای چپ و رها ساختن صحنه و توده‌های در کسر آن دنبال این یا آن جناح حاکمیت نیست چون توده‌ها در اصل بخاطر آنها بخایان نیامده‌اند . باید اوضاع را از این حالت خارج کرد و این نیز جز شرکت کمونیستها و هواداران آنها در فعالیت‌های سیاسی روز و ارائه‌ی تبدیل چپ امکان پذیر نیست . در همین حال باید یادداشت کرد که سلاطین شدن سلطه‌ی حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت ، سمت‌گسریهای مشخص‌تر علیه آن و تشدید حملات علیه آن را می‌طلبند .

۵- در مورد نا اشندهای مبارز معتقدیم که تبلیغ عنصر مقاومت و مبارزه تا به آخر در میان مردم ترویج آنها به مقابله با برنامدها و توانش رژیم ، ایستادگی در مقابل بورژوازی‌های ارادل و اوباش و خشتی کردن آنها و در صورت لزوم دست‌یازیدن به تعرضی مقابل از اهم تاکنسکهای مبارزاتی روز میباشند . باید روحیه‌ی مبارزاتی توده‌ها را بالا نگه‌داشته و به تلاطمات اجتماعی دامن زد . باید با تشدید مبارزه از فروکنی موج مبارزاتی اخیر جلو گرفت و این امر شرکت سازمان یافته همه شکل‌های انقلابی را می‌طلبند . فروکنی موج و بائین آمدن روحیه‌ی توده‌ها بدون شک سر آغاز اعمال همه جانبه‌ی اختنا و سرکوب عریان رژیم خواهد بود . پس باید با تشدید مبارزه جو سیاسی روز را مداوم بخشد و حفظ نمود و از سرخوردگی و کنارگیری توده‌ها از عرصه‌ی مبارزه که پیش‌شرط برنامه‌های جدید سرکوبگرانه رژیم بهمنظور نشتیت نهایی است جلو گرفت .



توجه

رفقای مبارز
هشت‌تخریبه در نظر دارد از شماره‌ی آند کزارات مستندی از مبارزات توده‌های مردم - جو سیاسی حاکم - سرکوب ارتجاع و عکس‌العمل توده‌ها در مقابل آن را در رهائی منعکس نماید . از این رو ضروری است که تمام رفقا گزارشات مشاهدات مستند خود را بلافاصله در اختیار هشت‌تخریبه قرار دهند تا از آنها در رهائی استفاده گردد .

هر دو جناح حاکم دشمن زحمتکشند حامی سرمایه‌دار